



نام درس: دناى ادیب

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: غزلیات سعدی (غزل ۱)

مقطع: دبستان و متوسطه ۱ پایه: چهارم تا هشتم





ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را
من نیز چشم از خواب خوش بر می‌نکردم پیش از این
هر پارسا را کآن صنم در پیش مسجد بگذرد
من صید وحشی نیستم در بند جان خویشتن
مقدار یار هم نفس چون من نداند هیچ کس
وقتی در آبی تا میان دستی و پایی می‌زدم

اول مرا سیراب کن و آنکه بده اصحاب را
روز فراق دوستان شب خوش بگفتم خواب را
چشمش بر ابرو افکند باطل کند محراب را
گر وی به تیرم می‌زند استاده‌ام پرتاب را
ماهی که بر خشک اوفتد قیمت بداند آب را
اکنون همان پنداشتم دریای بی پایاب را





آنکه حکایت گویمت دردِ دل غرقاب را
کآن کافر اعدا می‌کشد وین سنگدل احباب را
آواز مطرب در سرا زحمت بود بَوّاب را
ای بی‌بصر! من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را

امروز حالا غرقه‌ام تا با کناری اوفتم
گر بی‌وفایی کردمی یرغو به قاآن بُردمی
فریاد می‌دارد رقیب از دست مشتاقان او
سعدی! چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو





شرح واژگان و دشواری ها

آن آب: استعاره از شراب

ساقی: شراب آورنده

ز اندازه بیرون: بیش از حد

فراق: جدایی و دوری

چشم بر می نکردم: چشم باز نمی کردم

اصحاب: ج صاحب: یاران

صنم: بت، زیبارو

پارسا: پرهیزکار، بی گناه

شب خوش: شب بخیر

در بند بودن: اسیر بودن

باطل کند محراب را: محراب عبادت را ناچیز می شمارد

پرتاب: نوعی تیر دور رس

استاده ام پرتاب را: آماده ی تیر اندازی او هستم و سینه ام را سپر می کنم

میان: کمرگاه

اوفتد: بیفتد

مقدار: ارزش

با: به کنار: ساحل

بی پایاب: دریای بسیار عمیق

پنداشتم: تصور کردم

قاآن: پادشاه

یرغو: شکایت

غرقاب: کسی که غرق شده است





شرح واژگان و دشواری ها

رقیب: نگهبان

سرا: خانه

احباب: جمع حبيب: دوستان

مطرب: آواز خوان

جور: ستم و ظلم

اعدا: جمع عدُو به معنی دشمن

مشتاقان: عاشقان

بَوَّاب: دربان

بی بصر: بی بصیرت، کور دل



درک مطلب

۱- سعدی در این غزل چگونه شب زنده داری خود را توصیف می کند؟

۲- ضرب المثل بیت را بیابید و درباره ی معنی آن بیندیشید.





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>